

علم أصول الفقه

۵۳

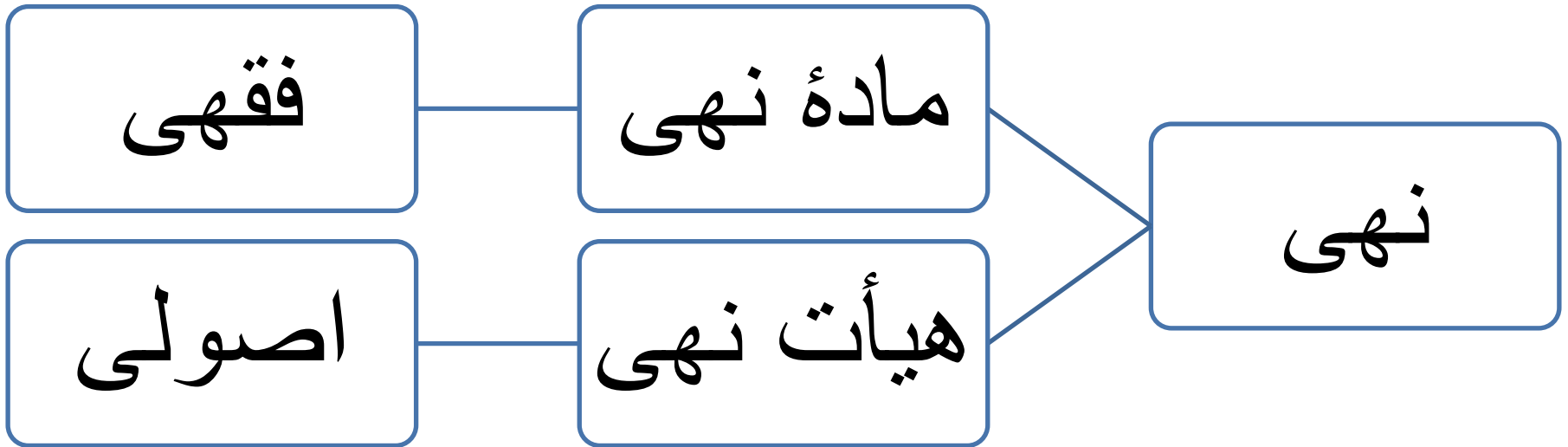
نواهی ۲۸-۱۰-۹۵

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مادة نهى

هيأت نهى

نهى



هیأت نہی

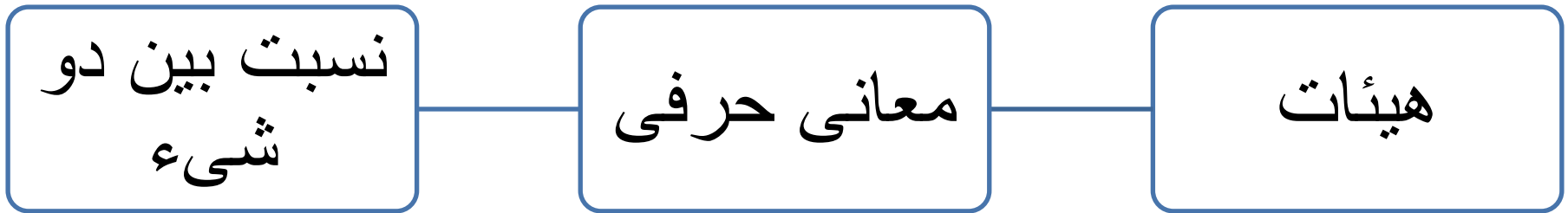
- موضوع له هیأت نہی
- صیغۃ نہی برای چه معنایی وضع شده است؟

«طلب الفعل»

صيغة امر

«طلب الترك»

صيغة نهى



صيغة امر

نسبت بعثيه

صيغة نهى

نسبت زجريه

هیأت نهی

- شهید صدر - رضوان الله علیه - یک استدلالی ذکر می کند تا اثبات کند که معنای هیأت نهی نمی تواند طلب ترک فعل باشد. ایشان می گوید اگر از قداما می پرسیدیم که مفاد «لا تصل» چیست، در جواب می گفتند: طلب ترک صلاة.

هیأت نهی

- حال می پرسیم دال بر این سه معنای طلب، ترک و صلاة کدام است؟
جواب می دهند صلاة مدلول ماده و طلب مدلول هیأت است اما در باره ترک با مشکل مواجه می شوند؛ زیرا غیر از ماده و هیأت دال دیگری نداریم.

هیأت نهی

- بنابراین ترک یا باید جزئی از مدلول ماده باشد یا باید جزئی از مدلول هیأت. اگر بگوییم جزء مدلول ماده است، معنایش این است مدلو صلاة، ترک صلاة است! پر واضح است که این صحیح نیست.
- بنابراین ترک باید مدلول هیأت باشد در حالی که این هم صحیح نیست؛ زیرا گفتیم معانی هیئات معانی حرفی هستند و این ترک یک معنای اسمی است. اضافه بر اینکه دلالت هیأت نهی بر ترک غیر عرفی است.

هیأت نهی

- اولاً این بحث ایشان شبه استدلال است نه استدلال؛ چون قدماء که گفته‌اند هیأت نهی دلالت بر طلب ترک می‌کند، به کلی از این نکته که معنای هیئات حتماً معنای حرفی است، غفلت کرده‌اند.
- ثانیاً این اشکال فقط مربوط به ترک نیست در طلب هم همین اشکال وارد است؛ زیرا طلب نیز یک معنای اسمی است که حسب فرض مفاد هیأت است؛ البته اگر شاید به قداما می‌گفتیم، آن‌ها توجیه می‌کردند که مقصود ما از طلب، نسبت طلبیه است نه طلب به معنای اسمی.

هیأت نهی

- اما آنگاه یک اشکال دیگر وارد می‌شد که نسبت طلبیه، بین طالب (آمر) و مطلوب (مأمور به) است نه بین مطلوب منه (مأمور) و مطلوب. در نهی هم اگر نسبت طلبیه ترکیه قائل شدند، نسبت بین ناهی و منهی عنه است نه بین منهی و منهی عنه.

هیأت نهی

- ما در بحث امر گفتیم طلب از امر فهمیده می شود؛ هر چند مدلول مطابقی و موضوع له هیأت امر نیست، بلکه حتی نسبت طلبیه هم موضوع له آن نیست.

هیأت نهی

- موضوع له امر نسبت بعثیه است و طلب مدلول التزامی این معنای حرفی خواهد بود. وقتی امر برای تحقق مأمور به، مأمور را بعث می‌کند، معنایش آن است مطلوب وی تحقق مأمور به است و وی نسبت به این تحقق طالب است.
- در نهی هم طلب ترک فهمیده می‌شود ولی این طلب ترک موضوع له و مدلول مطابقی هیأت نهی نیست، بلکه مدلول التزامی نسبت زجریه است.
- وقتی ما کسی را از انجام کاری باز می‌داریم، معنایش این است که عدم تحقق آن کار مطلوب ما است.

هیأت نهی

- بحث نهی و بحث امر بسیار با هم مماثل هستند و نحوه طرح مسائل در بحث نهی با بحث امر هم شباهت زیادی دارد.
- أصول الفقه (طبع انتشارات اسلامی)، ج ۱، ص ۱۴۸؛ حیدری، علی نقی، أصول الإستنباط، ص ۱۰۷، قم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ. ق.

هیأت نهی

- . همین نوشتار.
- . البته مفاد اولیة امر اعتبار نیست، یک معنای حرفی است که اگر از یک شخصی که حق امر و مولویت دارد، صادر شود، مبین یک اعتبار خواهد بود.
- . بحوث فی علم الأصول، ج ۳، ص ۱۴ - ۱۵.

هیأت نهی

- ظهور صیغه نهی بر تحریم
- مدلول وضعی نهی نسبت زجریه است و طلب ترک مدلول التزامی زجر است.
- اما هیأت نهی مدلول التزامی دیگری هم دارد.
- وقتی ناهی، منهی را از ارتکاب منهی عنه دور می‌کند، این دور کردن به این است که راه‌های تحقق منهی عنه را بر او می‌بندد و لازمه این سد طرق تحقق، حرمت منهی عنه است.

هیأت نهی

- بنابراین نهی در حرمت ظهور دارد؛ البته ظهورش در حد مدلول التزامی است که یکی از مصادیق ظهور است.
- مدلول التزامی در جایی است که مدلول مطابقی یک لازم بین بالمعنی الأخص داشته باشد که به صرف تصور ملزوم به ذهن بیاید.

هیأت نهی

- در نهی ما از علم به هیأت نهی به معنای موضوع له آن یعنی نسبت زجریه منتقل می‌شویم.
- از آنجا که نسبت زجریه دو معنای لازم بین بالمعنی الأخص دارد، به آن دو معنا هم منتقل می‌گردیم.
- یکی طلب الترتک است و دیگری حرمت؛ البته از هیأت نهی به به معنای موضوع له و از معنای موضوع له به طلب الترتک و از طلب الترتک به حرمت انتقال پیدا می‌کنیم.

هیأت نهی

- در حقیقت این معانی التزامی در عرض هم نیستند.
- به دلیل وجود این فرآیند انتقال در ذهن کاربرد نهی در غیر موارد تحریم، موجب مجازیت نهی نمی‌شود؛ چون نهی در حرمت استعمال نمی‌شود تا استعمال در غیر موضوع له تحقق پیدا کند.
- انتقال از موضوع له به لازم و از آن به لازم دیگر مجاز نیست.

هیأت نهی

- این انتقالات، انتقالات در حوزه مدالیل تصویری است؛ یعنی کسی که با وضع آشنا است به صورت اتوماتیک از لفظ به معنای مطابقی و از معنای مطابقی به لوازم بین بالمعنی الأخص منتقل می شود.
- اما اینکه کدام یک از این ها مراد متکلم است، در حوزه مداللیل تصدیقی است.

هیأت نهی

- جریان عادی تکلم اقتضا می‌کند که هر متکلمی معانی را که لفظ در آن ظهور دارد، اراده کند.
- اصل اولی این است که متکلم همچنان که معنای مطابقی را اراده کرده است، اگر لوازمی هم دارد، آن لوازم را هم اراده کرده باشد؛ البته ممکن است با قرائنی معلوم شود که متکلم، به صورت متعارف در تکلم، سخن نمی‌گوید.

هیأت نهی

- به همین سبب اصل اولی این است که لفظ در موضوع له استعمال می شود؛ یعنی اصل در استعمال، حقیقت است.

هیأت نهی

- به تعبیر صدر المتألهین - رضوان الله علیه - دلالت التزامی از ترکیب دو دلالت حاصل می شود: یکی دلالت وضعی که از لفظ به مدلول مطابقی منتقل می گردیم و دیگری دلالت عقلی که از مدلول مطابقی به لازم بین بالمعنی الأخص منتقل می شویم. (لمعات المشرقیه)

هیأت نهی

- دلیل مقایسه بحث امر و نهی
- ما دائم یک نوع مقایسه را بین امر و نهی و بین حرمت و وجوب، مطرح می‌کنیم؛ زیرا با توجه به اینکه امر را بحث کرده‌ایم، بحث نهی در پرتو بحث امر خیلی راحت روشن می‌شود.
- امر و نهی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. مفاد اولیه آنها کاملاً عکس هم است.

هیأت نهی

- امر راندن است به سوی مأمور به و نهی بازداشتن است از انجام منهی عنه. همین باعث می شود که مدلول التزامی یکی طلب باشد و دیگری طلب ترک و نیز مدلول التزامی دوم در امر سد ابواب عدم باشد و در نهی سد ابواب تحقق و همچنین مدلول التزامی در امر وجوب باشد و در نهی حرمت.